

# فولکلور گنجینه کهن نیاکان و زندگینامه يك ملت

شهرزاد دوستی\*

«اصطلاح فرهنگ توده یا فولکلور<sup>۱</sup> که نخستین بار در اوت ۱۸۴۶م (انجوی شیرازی، ۱۳۷۱، ۹) و یا به قولی ۱۸۸۵ م (جهانگیر هدایت، ۱۳۷۸: ۲۳۳) توسط ویلیام تامس<sup>۲</sup> با نام مستعار آمبروز مورتون<sup>۳</sup> برای نامیدن دانش عوام به کار گرفته شد؛ شامل دو بخش است بخش اول فولک "folk" به معنای عامه، توده، عوام مردم است و بخش دوم لور "Lore" به معنای دانش، دانستنی، مجموعه اطلاعات، معلومات، فرهنگ و موادی که اساس این علم را تشکیل می‌دهد، می‌باشد و برای معادل لفظ فولکلور در زبان فارسی ترکیباتی از قبیل دانستنی‌های عوام، دانش توده، فرهنگ مردم، فرهنگ توده، فرهنگ عامه، اطلاعات مردم و معلومات توده برگزیده شده است.» (انجوی شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۰-۹) «انسان‌ها در سراسر تاریخ پر فراز و نشیب خود همواره برای تبیین و توضیح هستی راههای گوناگونی برگزیده‌اند یکی از این راهها فولکلور یا فرهنگ عامه است که به وسیله آن واکنش ذهنی خود را نسبت به دنیای پیرامونشان یعنی جهان طبیعی، اجتماعی و فردی نشان داده‌اند.» (نشریه آدینه، ش ۲۰: ۱۲۹)

فرهنگ همان حیات معنوی انسان است و دربرگیرنده گرامی‌ترین و گرانبهارترین حصه وجود آدمی است و همان گوهر پویایی، نوآوری، زاینده‌گی و بالندگی است. «و

---

\* . دانشجوی کارشناسی ارشد رشته پژوهش علوم اجتماعی

1. Folklore
2. W.J. Thoms
3. Ambrose morton

## فولکلور گنجینه کهن نیاکان و زندگینامه یک ملت ❖ ۲

تایلر انسان‌شناس معروف انگلیسی در تعریف فرهنگ گفته است: فرهنگ یا تمدن مجموعه پیچیده‌ای است که دربرگیرنده دانستنی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هر گونه توانایی دیگری است که به وسیله انسان به عنوان عضو جامعه کسب شده است.» (نشریه دانش مردم، ش ۲: ۲۰۵)

همچنین می‌توان گفت فرهنگ تنها شیوه زندگی نیست بلکه به زندگی معنا و محتوا می‌بخشد و از نظر جامعه‌شناسی میراث اجتماعی هر جامعه‌ای است و شامل تمامی دستاوردهای مادی و معنوی دسته جمعی است که در طی فعالیت‌های زندگی روزمره پدید آمده است و از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است. «(نامه فرهنگ، ش ۲۹: ۷۱) «و فردوسی نیز مفهومی از فرهنگ به دست داده است که از ذات و جوهر هستی مایه می‌گیرد:

ز دانا بپرسید پس دادگر	که فرهنگ بهتر بود یا هنر
چنین داد پاسخ به او رهنمون	که فرهنگ باشد از گوهر فزون
که فرهنگ آرایش جان بود	ز گوهر سخن گفتن آسان بود
گوهر بی هنر زار و خوار است و سست	به فرهنگ باشد روان تندرست»

(دانش و مردم، ش ۲: ۲۰۵)

«و اما فولکلور که گنجینه رازها و رمزهای کهن نیاکان یک ملت است قسمتی از شخصیت و هویت آن ملت را تشکیل می‌دهد.» (بادیان، ش ۲: ۴۷) پس برای شناخت هر قوم، قبیله، ایل و طایفه‌ای باید فرهنگ یا فولکلور آن را مورد بررسی قرار داد. فولکلور شامل مطالعه اساطیر، افسانه‌ها، قصه‌ها، شوخی‌ها، ضرب‌المثل‌ها، معماها، آواها، طلسم‌ها، دعاها، نفرین‌ها، قسم‌ها، آداب اجتماعی، لغات و اصطلاحات، رسوم زندگی روزمره، اعتقادات، باورداشت‌ها، آداب و سنن و آیین جشن‌های مذهبی، ملی، موسمی و ادواری، مراسم گذرنده، مراسم سوگواری، تعزیه و روضه‌خوانی، خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها، نحوه، ابزار و ادوات پخت آنها، زبان‌های ساختگی، هنرهای عامیانه، حرف و صنایع گوناگون است. «در حقیقت می‌توان گفت که دنیای فولکلور دنیای زندگی واقعی توده‌هاست توده‌های مردمی که از دیرباز در آن زیسته، اندیشیده، گریسته،

## فولکلور گنجینه کهن نیاکان و زندگینامه یک ملت ❖ ۳

خندیده، شکست خورده و پیروز شده‌اند و همه تجارب را چونان یادگاری ارزنده و گرانبها به نسل‌های بعدی باز سپرده و بدین شیوه روزگار گذرانده‌اند.» (هدایت، ۱۳۴۲: ۹) «فولکلور از جهت ارزشی دارای دو بعد جهانی و ملی است. ارزش جهانی دانش عوام هر ملتی آینه ذوق، هنر، معرفت، خلق و خوی آن ملت است و چون با فولکلور ملل دیگر رابطه تاریخی، فلسفی و مذهبی دارد می‌تواند سفیر دوستی یک ملت نزد سایر ملل جهان باشد. فرهنگ عامه در واقع مهر و محبت‌ها را استوار می‌سازد و با ایجاد وابستگی‌های قومی و نژادی سبب پیوند دوستی عمیق ملت‌ها می‌گردد و کینه‌ها و دشمنی‌ها را از میان برمی‌دارد. از بعد ملی فرهنگ عامه هر ملتی در حکم زندگینامه و شرح احوال توده عوام آن ملت است و روشنگر سوابق تاریخی و آداب و عادات آن قوم و نشان دهنده تحول فکری و تکامل اجتماعی مردم آن کشور است و فولکلور ایران اسلامی با وجود اختلافات ظاهری همچون شاخه‌های یک درخت واحد هستند که از یک ریشه تغذیه می‌کنند و این خود سندی بر پیوستگی و یگانگی این مرز و بوم است.» (انجوی شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۰) و (نشریه ایران، ش ۳۱۵۳: ۱۶)

«اما از ویژگی‌های فرهنگ عامه چند چیز است یک اینکه در همه کشورها زاینده تجربه است. دیگر اینکه معمولاً اندیشه‌های عوام دارای شالوده‌ای از یک فرهنگ کهن مایه است.» (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۴۰۴) و از دیگر خصیصه‌های فولکلور کشورها، مثبت و خلاق بودن آنها و متناسب بودنشان با مذهب، روح، نژاد، منطقه جغرافیایی و خواسته‌های آن ملت است و روی هم رفته در اکثر نقاط جهان فولکلور سرشار از امید است و نمودهای یاس‌آفرین در آن کمتر جای دارد.» (صادق همایونی، ۱۳۵۶: ۲)

### گذری بر تاریخ گردآوری فرهنگ عامه در ایران

اندیشمندان فرهنگ دوست ایران زمین به منظور آنکه فرهنگ شفاهی در مسیر پرتلاطم روزگار از بین نرود آن را از حالت شفاهی به رشته تحریر کشیدند و در این میان حکیم ابوالقاسم فردوسی بهترین فردی است که با توجه به اوضاع نابسامان روزگارش به گردآوری گنجینه‌های ملی و فرهنگ شفاهی ملت خویش همت گماشت

#### فولکلور گنجینه کهن نیاکان و زندگینامه یک ملت ❖ ۴

وی هسته اصلی فرهنگ مردمی مکتوب منظوم را بوجود آورد و آیین‌های ملی و کهن ما را به زبانی روان و رسا ثبت کرد او شاهنامه را که گنجینه فرهنگ مردم است را طی ۲۵ یا ۳۰ سال پدید آورد.

مختارنامه از جمله کتبی است که همه مطالب آن با واقعیات تاریخی مطابقت ندارد بلکه آمیخته با احساسات مردم است مضمون کتاب در خصوص نفرت مردم از قاتلین اباعبدالله و انتقامجویی مختار ثقفی است.

همچنین منظومه‌های «رستم‌نامه»، «اسکندریه» از باذل مشهدی و «حمله حیدری» منظومه‌ای به وزن مثنوی سروده ملا بمونعلی راجی کرمانی (قرن ۱۲هـ) در خصوص رشادت‌های حضرت رسول (ص) و حضرت علی (ع) به شیوه شاهنامه‌ای سروده و حقایق تاریخی را با آرایه‌های ذهنی و عاطفی درهم آمیخته است همچنین کتاب «رموز حوزه» درباره رشادت‌های حمزه عموی پیغمبر اسلام در میان عامه مردم رواج خاصی دارند.

مهتر نسیم عیار شخصیت اول اسکندرنامه بواسطه زرنگی‌هایش به صورت یک سمبل درآمده و در افواه عوام و اصطلاحات و امثال از او نام برده می‌شود. حسین کرد شبستری داستانی گیرا و وابسته به ادبیات فولکلور دهها سال است که توسط مردم عادی و عامی خوانده و نقل می‌شود.

مثنوی مولانا کتابی مالامال از حکم و امثال و مولانا با ثبت این ضرب‌المثل‌ها آنها را از خطر فراموشی نجات داده است. فولکلوریک دکتر محمدجعفر محجوب (۱۳۰۲-۱۳۷۴) داستان‌های عامیانه ایران اثر فولکلوریک دکتر محمدجعفر محجوب (۱۳۰۲-۱۳۷۴) است. طوطی‌نامه یا چهل طوطی ترجمه ضیاء نبخشی (متوفی ۷۵۱ هـ ق) شامل قصه و حکایت است.

سمک عیار از فرامرز بن حداد کاتب در دو جلد داستانی است برخاسته از فرهنگ سینه به سینه مردم که در سال ۵۸۵ هـ ق نوشته شده و شرح زیرکی‌ها، شجاعت‌ها و زرنگی‌های قهرمان ریزنقشی است به نام سمک عیار.

کتاب الف لیل و لیل (هزار و یک شب) ترجمه ملا عبدالطیف طسوجی تبریزی که

در آن ردپایی از چهل طوطی به چشم می‌خورد. فتوت‌نامه سلطانی نوشته ملاحسین کاشفی واعظ سبزواری کتابی است داستانی در شرح دلاوری‌های فتیان لحن گفتار و نثر کتاب به ادبیات عامیانه مربوط می‌گردد. کتاب طنزآمیز کلثوم‌نه یا همان عقایدالنساء تالیف شخصیتی روحانی و دانشمندی با تقوا به نام آقاجمال خوانساری است شامل آداب، معتقدات، رسوم و خرافات زنان در دوره صفویه است.

ملا حسین کاشفی واعظ سبزواری در مورد جادوگری کتابی دارد به نام «اسرار قاسمی» چون پایه علمی ندارد طبعاً جزو فرهنگ عوام است. (کیهان فرهنگی، ۱۳۷۸: ۳۷-۳۴)

«میرزا حبیب اصفهانی متخلص به دستان از آزادگان دوره ناصری و مترجم کتاب حاجی‌بابا اصطلاحات و لغات عوامانه را جمع و ضبط کرده است. علامه دهخدا نیز با کتاب‌های ارزشمند «امثال و حکم» و «چرند و پرند» فاسی زبانان را به ارزش و اهمیت اصطلاحات عوامانه آگاه ساخت. سیدمحمدعلی جمالزاده با کتاب «یکی بود یکی نبود» زبان عامیانه را در آثار خود به کار برده و مقادیری از واژه‌ها و عبارات فولکلوریک را بدین ترتیب حفظ و ضبط کرد.

از دیگر پیشکسوتان این وادی امیرقلی امینی اصفهانی است که با چاپ هزارو یک سخن، داستان‌های امثال و فرهنگ عوام یا تفسیر امثال و اصطلاحات زبان پارسی در شناساندن ادبیات عامیانه (شفاهی) گام‌های بلندی برداشت.

حسن مقدم (علی نوروز) فرزند ارشد محمدتقی احتساب الممالک (۱۳۰۴-۱۲۷۷) علاوه بر کارهای متعدد و ادبی مقداری از مثل‌های عوامانه مردم تهران را جمع‌آوری کرد. (انجوی شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۵-۱۳)

در تهیه و تدوین فولکلور ایران، صادق هدایت پیشاهنگ و راهگشا بود. وی اصول مدونی را برای این کار ارائه داد فعالیت‌های بسامان رسیده هدایت در زمینه فرهنگ عامیانه به قرار زیر است: «اوسالهُ» مجموعه‌ای متضمن از ترانه‌های عامیانه در سال

## فولکلور گنجینه کهن نیاکان و زندگینامه یک ملت ❖ ۶

۱۳۰۹ یا ۱۳۱۰، «نیرنگستان» رساله‌ای در اعتقادات عامیانه در سال ۱۳۰۹ یا ۱۳۱۲ به چاپ رساند؛ ارائه چندین مقاله درباره لزوم پرداختن به فرهنگ عامیانه و تحقیق فنی درباره آن که در شماره سوم و چهارم سال دوم سخن به چاپ رسید؛ «مثل‌های فارسی»، «ترانه‌های عامیانه» در سال ۱۳۱۸ ش در اولین شماره مجله موسیقی چاپ شد. «کیهان فرهنگی، ش ۱۵۴: ۳۷) مقارن همین سال‌ها سیدابوالقاسم انجوی شیرازی به گردآوری دانش عوام زادگاه خود و طبع و نشر آنها در جراید مرکز پرداخت.» (انجوی شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۹)

«کنل محمدتقی خان پسیان، ابوالحسن صبا، معتمد وزیری و رویک گریگوریان در راه جمع‌آوری موسیقی محلی اولین گام‌ها را برداشتند.

مرحوم حسین کوهی کرمانی ماحصل کارش کتاب «۷۰۰ ترانه روستایی ایران» بود. مرحوم فضل‌الله صبحی مهتدی تعداد زیادی از افسانه‌ها و مثل‌های روستایی و عامیانه را گردآوری کرد و علاوه بر بیان آنها در رادیو تحت عنوان «افسانه‌های کهن» در ۲ جلد چاپ و منتشر نمود.

احمد شاملو (الف . بامداد) گنجینه فرهنگ عوام را در مجلات ادبی از جمله «فردوسی» و «کتاب هفته» بخشی تحت عنوان «کتاب کوچه» باز نمود و فرهنگ عامیانه را با همکاری تعدادی از جوانان علاقمند چاپ و منتشر کرد و تا به امروز پنج جلد کتاب کوچه به ترتیب حروف الفبا از چاپ در آمده است. رادیو و تلویزیون هم در طی سال‌های طولانی سعی کرده‌اند به انحاء مختلف نمونه‌هایی از ادبیات هنر و موسیقی روستاها را گرد آورد و عرضه نماید؛ از جمله برنامه «یک شاخه گل» بود که از رادیو ایران پخش می‌شد.

مرحوم انجوی شیرازی از جمله کسانی است که سال‌ها در رادیو ایران برنامه فرهنگ مردم را اداره و اجرا کرد و گنجینه پرارزشی از فرهنگ مردم ایران را از قومیت‌های مختلف و در ابعاد گوناگون از قبیل ادبیات شفاهی، زندگی اجتماعی، آداب و رسوم ملی و مذهبی، موسمی، ادواری و غیره را گرد آورد. در همان سالها کتاب‌هایی از مرحوم انجوی چاپ و منتشر شد که عبارت بودند از بازی‌های نمایشی، گل به

## فولکلور گنجینه کهن نیاکان و زندگینامه یک ملت ❖ ۷

صنوبر چه کرد، عروسک سنگ صنوبر، فردوسی‌نامه و ...  
از جمله کوشندگان پرتوان و زحمتکش فرهنگ مردم عبارتند از: سید محمدعلی امام اهوازی که در گردآوری و ثبت و ضبط کلی فرهنگ عامیانه دزفول و مردم این شهر بسیار سختی کشیده است. همچنین علی بلوکباشی یکی دیگر از کوشندگان عرصه فرهنگ مردم است که سال‌ها در مجلات مختلف این وظیفه را به عهده دارد.» (کیهان فرهنگی، ۱۳۷۸: ۳۸-۳۷)

محققان غربی نیز به جمع‌آوری قصه‌های ایرانی همت گماشتند و یکی از اهدافشان از انجام این عمل تحقیق در مورد لهجه‌ها بود از جمله کتاب‌های لهجه‌شناسی مربوط به متون ایرانی باید از آثار اسکارمان و آرتور کریستین سن و در دوران اخیر از مجموعه وسیع ویلهلم ایلس یاد کرد و از جمله کتاب‌هایی که توجه به لهجه‌شناسی نشده آثار فیلیوت و لوریمر است.» (اولریش مارزلف، ۱۳۷۱، ۱۸-۱۷)

یکی دیگر از افراد خارجی که سهم بسزایی در فرهنگ عوام ایران دارد کننل لوریمر و همسر زبان‌شناسش بود این زوج در زمان جنگ بین‌الملل اول (بین ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۸م) در دزفول زندگی می‌کردند و درباره فولکلور کرمان، مسجدسلیمان و دزفول اوراقی را به یادگار نهادند. آنها در سال ۱۹۱۹ تعدادی از داستان‌های بختیاری را تحت عنوان «افسانه‌های ایرانی» به چاپ رساندند.» (لوریمر، ۱۳۵۳: ۱۱-۱۰)

«دکتر اون والا از پارسیان هند بین سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۱م کتاب کوچکی درباره لهجه‌های دزفولی ولری ولکی نگاشته که در آلمان چاپ شده است.» (کیهان فرهنگی، ۱۳۷۸: ۳۷)

آثار و تلاش‌های هر یک از این کوشندگان و پژوهندگان در جای خود در خور ارزش است در سال‌های اخیر افرادی چون «ابوالقاسم فقیری، آدرین بولون، السول ساتن و ... در وادی فرهنگ مردم قلم‌فرسایی کرده‌اند.» (اولریش مارزلف، ۱۳۷۱: ۲۰)

## پیشنهاد

فولکلور حاصل افکار مشترک یک ملت است و به منظور جلوگیری از ذوب فرهنگ

## فولکلور گنجینه کهن نیاکان و زندگینامه یک ملت ❖ ۸

---

مردم ایران در آتش نفوذ پیامبران ماشینی همچون ماهواره و اینترنت ضروری است تمهیداتی اندیشیده شود تا گنجینه‌های غنی ملی، فرهنگی و مذهبی از خطر نابودی نجات یابد زیرا تقلید از شیوه زندگی ماشینی سبب شده تا اصالت و معنویت ایرانی خدشه‌دار شود پس بایستی نه تنها به ثبت و ضبط داشته‌هایمان پردازیم بلکه بایستی به معرفی فولکلور ناب و بومی سراسر ایران از طریق صداوسیما اقدام شود آن هم توسط کارشناسان و پژوهشگران فولکلوریست و برنامه‌سازان رسانه‌ای.





## منابع

- ۱- انجوی شیرازی، سیدابوالقاسم، *گذری و نظری در فرهنگ مردم ایران*، نشر اسپرک، تهران، ۱۳۷۱
- ۲- هدایت، صادق، *نیرنگستان*، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۲
- ۳- هدایت، جهانگیر، *فرهنگ عامیانه مردم ایران*، نشر چشمه، تهران، ۱۳۷۸
- ۴- همایونی، صادق، *یازده مقاله در زمینه فرهنگ ایران*، انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر فارسی، بی جا، ۲۵۳۶
- ۵- لوریمر، د. ل، *فرهنگ مردم کرمان*، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، بی جا، ۱۳۵۱
- ۶- مارزلف، اولریش، *طبقه بندی قصه های ایرانی*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، سروش، تهران، ۱۳۷۱

## نشریات

- ۱- «بن مایه های فرهنگ در دالان های جهانی»، علی اشرف درویشان، *آدینه*، ش ۲۰
- ۲- «نگاهی به پژوهش های فرهنگ عامه در ایران»، سید محمود سجادی، *کیهان فرهنگی*، ش ۱۵۴، مرداد ۱۳۷۸
- ۳- «فرهنگ و عامه و فرهنگ عامه»، حسین پناهی سمنانی، *دانش و مردم*، ش ۲
- ۴- «بسط پذیری فرهنگ قابلیت ها و ظرفیت ها»، حکمت الله ملاصالحی، *نامه فرهنگ*، ش ۲۹
- ۵- «فرهنگ عامیانه»، بادیان، دین محمد جاوید، ش ۲.
- ۶- «فرهنگ عامه، اساس دوستی و پیوستگی»، *روزنامه ایران*، ش ۳۱۵۳، سال یازدهم، ۱۳۸۴/۳/۱۶



پروژه شگانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی